

آسیب شناسی انقلاب اسلامی

عنوان: آسیب شناسی انقلاب اسلامی

نویسنده: دکتر محمد رحیم عیوضی

تهران: ۱۳۸۶

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

راضیه عسگری

می‌کند. به نظر وی در هر آسیب‌شناسی سه عامل هدف، موضوع و روش، قابل تفکیک‌اند. محقق ضعف شناخت نسبت به مباحث نظری و تحولات جامعه‌ی ایران را، مانع از نگاه جزئی‌نگر (علمی) به مسائل می‌داند و ۱۱ عامل را برای آن برمی‌شمرد. در ادامه در آخرین فصل از بخش اول، محقق وجود مشترک انقلاب‌ها را بررسی کرده و چارچوب نظری در کتاب‌های نگاشته شده در سیرحوادث پیروزی انقلاب اسلامی را برگرفته از آثاری شبیه به کالبدشکافی چهار انقلاب نوشته‌ی کرین برینیتون و تاریخ طبیعی انقلاب اثر ادواند می‌داند.

براساس این قییل نظریه‌ها، در هر انقلاب روندی طی می‌شود که آن‌ها را برشمرده و به مقایسه‌ی انقلاب اسلامی با آن می‌پردازد و در واقع معتقد است آن‌چه در انقلاب اسلامی روی داده با آن‌چه در نظریه آمده یکسان نیست و آنچه برینیتون در مورد مشترکات انقلاب‌ها در دوران پس از پیروزی مورد استفاده قرار داده است، عمدتاً مشکلات متنوع و متفاوتی است که هر انقلابی بر سر راه خود دارد.

محقق در فصل دوم از بخش دوم اثر خود، تأثیر شرایط محیطی دوران پس از انقلاب را بر تشدید آسیب‌ها بررسی کرده و سه مسأله‌ی اساسی را که امنیت، تدوین قانون اساسی، سازندگی و عمل به وعده است، برای انقلاب، انقلابیون و حکومت برآمده از آن‌ها پس از پیروزی برشمرده و بیان می‌دارد که ترور مغزهای متفکر انقلاب،

در کتاب حاضر که از دو بخش تشکیل شده است، محقق به بررسی آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی پرداخته است. بخش اول که در آن به بررسی کلیات نظری و تاریخی پرداخته شده است، دارای چهار فصل بوده و بخش دوم که فقدان نظریه‌پردازی، ضعف مدیریتی و آسیب‌های فراروی انقلاب اسلامی را می‌کاود، شامل شش فصل است.

محقق در فصل اول از بخش اول کتاب به بررسی مفاهیم جامعه‌شناختی مؤثر در مطالعات آسیب‌شناسی می‌پردازد و تغییر اجتماعی، مسأله‌ی اجتماعی را تعریف و از نظریه‌های جامعه‌شناسانی چون آنتونی گیدنز، گی‌روشه، تی بی باتامور، گرث و مینز برای روشن‌تر شدن آن استفاده می‌کند. محقق در ادامه در فصل دوم آسیب و آسیب‌شناسی را به طور اخص بررسی کرده و به این نکته دست می‌یابد که آسیب‌ها، الزاماً جنبه‌ی عینی نداشته، بلکه می‌توانند به صورت ذهنی نیز وجود داشته باشند.

در فصل سوم ضرورت و جایگاه آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی در مطالعات انقلاب اسلامی مدنظر قرار گرفته و با توجه به این نکته که ضرورت‌ها برآمده از نیازها هستند، این سؤال مطرح می‌شود که چه زمانی به آسیب‌شناسی روی می‌آوریم و به آن احساس نیاز می‌کنیم؟ همچنین انواع آسیب‌شناسی را که مشفقانه و مغرضانه است مطرح



محدودیت‌های سیاسی، کهنگی و تقلیدی بودن، کوتاهی دوران تجربه‌اندوزی، ضعف سیستم آموزشی، سهل‌الوصول تلقی کردن، افراط و تفریط، انحصاری تصور کردن در نزد برخی افراد، ابهام در معنا و مصداق آزادی اندیشه و... می‌داند. محقق در فصل آخر از بخش دوم به این مورد اشاره می‌کند که ایران یک کشور توسعه یافته است و کشورهای در حال توسعه ضعف‌های مشترکی دارند و این که توسعه می‌تواند نهایت حیات اجتماعی باشد یا نه و در آخر چگونه و با چه نگاهی باید به انقلاب نگاه کنیم و چگونه آن را اداره کنیم.

نقد و بررسی

• استناد به کتاب کالبد شکافی چهار انقلاب کرین برنتون به نظر بی‌مورد است. زیرا برنتون صرفاً چهار انقلاب (انگلیس، آمریکا، روسیه و فرانسه) را بررسی کرده و هیچ‌جا ادعا نکرده که این برداشت‌ها را به انقلابات دیگر و مخصوصاً به انقلاب اسلامی ایران تعمیم می‌دهد. تلاش مؤلف در رد نظریات برنتون در مورد میانه‌روها و تندروها و پیدا کردن مصادیق آن در انقلاب اسلامی بی‌مورد است. (ص ۸۱ تا ۶۵)

نتیجه‌گیری و خلاصه‌ی هر فصل در پایان و ترسیم نمودارها و چارت‌ها برای تفهیم هر چه بیشتر مطالب از مزیت‌های کتاب است. فصل ششم به نظر می‌رسد با اهداف کتاب مغایرت دارد. در واقع در این فصل به مباحثی فلسفی پرداخته که ارزش‌گذاری بر محور توسعه را مطرح و بحث از یک توصیف به تحلیلی ابتر منجر شده است.

تاخیر در پردازش نظام فکری مورد نیاز انقلاب و به تعویق افتادن اجماع نظری، شرایط مناسبی را که متأسفانه منجر به بروز آسیب می‌شود به وجود می‌آورد.

آسیب‌های پیش روی جامعه‌ی اسلامی - ایرانی در فصل بعد بررسی شده و تغییر اجتماعی به وقوع پیوسته، احساس نیاز و طرح تقاضای تشکیل حکومت جدید بر مبنای دین اسلام را به دلایلی چون عدم سابقه‌ی فکری مطلوب در حوزه‌های دینی و علمی در ارتباط با شیوه‌ی حکومت کردن، چگونگی تنظیم امور و مدیریت کشور به جهت دوری از حکومت، بیگانگی با مسائل ایران، فشارهای داخلی (بی‌ثباتی سیاسی) و فشارهای خارجی (جنگ تحمیلی) را از موضوعاتی می‌داند که در نهایت به نارضایتی و به تعویق افتادن هدف الگوسازی از ایران به عنوان نمونه‌ای از مردم سالاری دینی می‌انجامد. محقق در فصل آسیب شناسی انقلاب اسلامی ناشی از تحولات جنگ تحمیلی با آن که آن را دلیل بسیاری از آسیب‌ها می‌داند، ولی به زعم وی، جنگ باعث شد تا مردم ایران مجدداً به خودباوری برسند و با تحمل سختی‌ها، امکان مقابله با دشمنان و استعمارگران را در خود به وجود آورند.

محقق تعارض «جمهوری اسلامی» با دنیای سکولاریسم و آسیب‌های پیش روی آن را تنها با نگاهی بومی و خاص به مسائل ایران قابل حل می‌داند. به نظر وی موفق شدن در چالش فرهنگی، راهی جز اصلاح و تقویت مؤلفه‌های فرهنگی جامعه‌ی ما نیست.

به‌علاوه محقق آسیب شناسی علوم انسانی در انقلاب اسلامی را عواملی چون بی‌توجهی و کم‌توجهی، تردید در علمی بودن،